

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

تجارت بدون سودطلبی در عصر ظهور^۱

✿ صلوات همان محبت و دوستی است و همه‌ی اولین و آخرین در صلوات غرقند. هر عبادتی که هرکس می‌کند، همان صلوات است. شنیده بودم که در آخرالزمان مردم با صلوات چیز می‌خرند. هرچه انتظار کشیدم دیدم این‌طور نشد. اما این اواخر متوجه شدم که از بچگی با صلوات خریدیم و خوردیم. دو تا کاسب در محله‌ی ما بود و من از کاسبی خرید می‌کردم که دوستش داشتم و او هم مرا دوست داشت. پس با صلوات می‌خریدم. از ناوایی نان می‌خریدم که خوش‌اخلاق بود و دوستش داشتم. دو نفر آمدند که چیزی از من بخرند به آن یک فروختم که دوستش داشتم. در مجلس روضه، پای وعظ کسی می‌نشستم که دوستش داشتم. در شیرخوارگی از سینه‌ی کسی شیر می‌خوردم که دوستش داشتم. پس همه‌ی عمر با صلوات خریدیم و فروختم. همه‌ی دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام از بچگی با صلوات راه می‌روند.

خب، حالا حقیقت صلوات را فهمیدیم. صلوات محبت و دوستی است. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله، صله کردن خویشتن در راه معشوق است؛ یعنی خودمان را صله می‌کنیم؛ یعنی هستی خود را به پای معشوق خود می‌ریزیم. گفت:

^۱ مصباح‌الهدی، ص ۱۲۶ ف ۱.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

صلوات خود را صلّه کردن است؛ خود را به پای معشوق ریختن است. این، اوج جلوه‌ی محبت است. خود را قربان محبوب کردن است. همه‌ی خلق هم با محبت راه می‌روند و این را بارها اشاره کرده‌ایم که محرک همه‌ی خلق، چه اهل دنیا و چه اهل آخرت و چه اهل معنا، محبت است. یعنی به چیزی محبت دارند. یکی پول دوست دارد، دنبالش می‌دود؛ یعنی دنبال محبوبش می‌رود. یکی مقام می‌خواهد، دنبال محبوبش می‌دود. کسی راحتی و آسایش می‌خواهد، دنبال محبوبش می‌رود. دیگری نام و شهرت را دوست دارد، دنبالش می‌دود. همه دنبال محبوب خود تقلاً می‌کنند. کسی هم بهشت را دوست دارد، نعمت‌های بهشتی و قصرهای بهشتی را دوست دارد، او هم دنبال محبوبش می‌رود. کسی هم خدا را دوست دارد، اولیای خدا را دوست دارد، او هم دنبال محبوبش می‌رود. پس همه‌ی اولین و آخرین در محبت غرقند و محرک همه‌ی خلق، محبت است. محرک همه‌ی خلق، محبت است!

البته اشاره کرده‌ایم، چه اهل دنیا چه اهل آخرت، عکس معشوق را با خود معشوق عوضی گرفتند. همه‌ی انسان‌ها در فطرت خود، عاشق خدا و محبّ خدا هستند. اما چون محبت بسیاری از آنها به خودآگاه نرسیده، یک تشنگی مرموز و حالتی که گویی گمشده‌ای دارند، در وجود خودشان احساس می‌کنند، اما نمی‌دانند گمشده‌شان کیست؛ بعد عکس محبوب را در آینه‌ی موجودات دنیا و آنها که فکرشان بلندتر است، در آینه‌ی موجودات اخروی می‌بینند و این عکس را با خود محبوب عوضی می‌گیرند و به گمان اینکه آن محبوب و گمشده‌شان که دل به او داده‌اند، همین عکس است، دنبال همین عکس شروع به تقلاً می‌کنند.

البته اهل معرفت و آنها که از نور معرفت خدای متعال بهره‌ای دارند، پی برده‌اند که همه‌ی اینها عکس است. هم دنیا عکس است، هم آخرت؛ ولذا هم دنیا را بوسیدند و کنار گذاشتند، هم آخرت را. آنها به محبوب خود رو کردند و گفتند: **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَبِيفًا**^۲ آنها یکسره و

۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۹.

خالص روی خود را به سمت خودِ معشوق برگرداندند؛ دیگر در عکس‌ها دنبال معشوق نمی‌گشتند. آنها، هم دنیاطلبی را کنار گذاشتند، هم آخرت‌طلبی را. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ**؛ بر کسی که اهل آخرت باشد، دنبال دنیا دویدن حرام است. **وَ الْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا**؛ و بر کسی هم که دل به دنیا سپرده و اهل دنیاست، آخرت حرام است. سپس فرمودند: **وَهُمَا حَرَامَانِ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ**؛^۳ هم دنیاطلبی، هم آخرت‌طلبی بر اهل‌الله حرام است؛ آنها که خودِ خدا را می‌خواهند، نه دنیا می‌خواهند و نه آخرت. گفت:

ما را نه غم دوزخ و نه حرص بهشت است بردار ز رخ پرده که مشتاق لقایم

آنها پی برده‌اند که معشوق و محبوبشان کیست. بنابراین همه دارند در محبت غوطه می‌خورند؛ در حقیقت همه در صلوات غوطه می‌خورند. در این میان بعضی **الَّذِينَ يَعْلَمُونَ** و برخی دیگر **وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ** و عده‌ای **أُولُوا الْأَلْبَابِ** هستند. قرآن سه گروه کرد و فرمود: **هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ**؛^۴ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ این حقیقت را کسانی که **أُولُوا الْأَلْبَابِ** و صاحبان خرده‌های ناب و خالص هستند، درک می‌کنند. آنها به یاد این نکته هستند و متذکر می‌شوند. اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام فرمودند: **الَّذِينَ يَعْلَمُونَ** ما اهل‌بیت هستیم و **الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ** دشمنان ما و **أُولُوا الْأَلْبَابِ** دوستان ما اهل‌بیت هستند که این حقیقت را درک کردند.

در زمان جنگ ایستگاه‌های صلواتی در جبهه بود که چای می‌دادند؛ آب و شربت و خوراکی رایگان می‌دادند؛ ملزوماتی که مردم از شهرها برای کمک به جبهه می‌فرستادند، در آنجا بود. اسم این ایستگاه‌ها، ایستگاه صلواتی بود. هر کس می‌رسید، چایی یا آبی به او می‌دادند، یک صلوات می‌فرستاد. صلوات، قیمت آن چای و خوراکی بود. در زمان ظهور حضرت ولی‌عصر عَلَيْهِ السَّلَام همین اتفاق می‌افتد. پول گرفتن حرام و ربا محسوب می‌شود. روایت داریم که در خرید و فروش و دادوستدهای مؤمنین پول

۳. ابن‌جمهور، عوالی‌اللتالی، ج ۴، ص ۱۱۹ و خوبی، منهاج‌البراعه، ج ۱۹، ص ۳۴۷ و پاینده، نهج‌الفصاحه، ص ۴۸۷.

۴. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹.

گرفتن رباست. در زمان ظهور با صلوات خرید و فروش می‌شود. این ایستگاه‌های صلواتی جبهه را هم از آنجا و از آن روایات الهام گرفته بودند.

حقیقت صلوات محبت است. خدا رحمت کند حاج آقای دولابی رحمته الله علیه را، می‌فرمود: در طول زندگی خیلی دنبال این حقیقت گشتم، کی می‌شود که این‌طور شود، که بین مؤمنین با صلوات دادوستد شود، دیگر پول و قیمت و ثمن منتفی شود؛ دیدم نشد. بعد می‌فرمود: این آخرها پرده کنار رفت و دیدم اتفاقاً از اوّل هم این‌طور بوده؛ یعنی از اوّل عمر، من با صلوات خریدم و با صلوات فروختم و با صلوات همه کار کردم؛ یعنی با محبت! در توضیح آن هم فرمودند: مثلاً دو تا نانوايي بود که من یکی از نانواها را بیشتر دوست داشتم؛ ولو آن نانوايي که من بیشتر دوستش داشتم، از خانه‌مان دورتر یا شلوغ‌تر بود و زمان بیشتری در صف می‌ایستادم، ولی همیشه می‌رفتم از آنجا نان می‌خریدم. ببین! با صلوات می‌خریدم. یا ملکی داشتم که می‌خواستم بفروشم. دو تا مشتری آمد. دیدم یکی از آنها را بیشتر از دیگری دوست دارم و به دلم نشست؛ ولو ارزان‌تر می‌خرید؛ اما به او فروختم. دیدم پس با صلوات فروختم. دو تا منبر و مجلس با دو سخنران بود. یک مسجد نزدیک خانه و یکی دورتر بود؛ اما آن منبری که در مسجد دورتر بود را بیشتر دوست داشتم؛ لذا پای وعظ او می‌نشستم و پای وعظ این یکی نمی‌نشستم. دیدم اصلاً از اوّل عمر، من در صلوات غوطه می‌خورم. دیدم آن حقیقت وجود دارد.

ببینید همه‌ی حقایق بزرگ موجود در آیات و روایات، نقد است و نسیه بودن آن مال بیدار نبودن و هوشیار نبودن ماست. اگر پرده‌ی غفلت و جهل کنار رود، می‌بینیم همه‌ی وعده‌های خداوند نقد است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **وَعْدُ الْكَرِيمِ نَقْدٌ وَ تَعْجِيلٌ**^۵ وعده‌ی شخص کریم نقد و فوری است. شخص کریم وعده‌ی نسیه و مدت‌دار نمی‌دهد. **وَعْدُ الْكَرِيمِ نَقْدٌ وَ تَعْجِيلٌ**؛ خدا کریم است و وعده‌اش هم نقد و فوری است؛ پس همه‌ی آنچه وعده داده، موجود است. نسیه بودنش برای این است که من چرت می‌زنم و خدای نکرده گاهی در خواب هستم. البته دوست اهل بیت علیهم السلام در خواب کامل نیست. اهل

۵. تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۷۲۵ و لثی، عیون‌الحکم، ص ۵۰۴.

دنیا در خوابند. دوست اهل بیت علیهم السلام چرت می‌زند؛ کمی بیدار است و کمی خواب؛ برزخ را طی می‌کند. نسیه بودنش برای این است. اگر بیدار و هوشیار شوم، می‌بینم همه‌اش نقد و موجود است. کما اینکه حاج آقا فرمودند: هوشیار که شدم، دیدم از اول هم همان‌طور بود. دیدم حتی شیرخوار هم که بودم، دو تا خانم که هر دو بچه‌دار بودند و سینه‌شان شیر داشت، وقتی می‌خواستند به‌عنوان کمک به مادرم، مرا شیر دهند، در آغوش کسی شیر می‌خوردم که بیشتر دوست داشتم. دیدم من از بچگی و شیرخوارگی در صلوات غرق بودم. یعنی با محبت کار می‌کردم.

دوستان اهل بیت علیهم السلام این‌گونه هستند. با محبت راه می‌روند. خدا را شکر کنید. این نعمت بزرگی است که با محبت اهل بیت علیهم السلام راه می‌روید. والا شما اینجا چه کار دارید؟! حتی گفتم فصل امتحان است بروید درس بخوانید! ولی نتوانستید؛ دلتان نیامد؛ آ امید و اینجا کنار هم نشستید. آیا محبت شما را اینجا نیاورده است؟ اینجا به شما پول که نمی‌دهند. پست و مقام که به شما نمی‌دهند. اینجا هیچ چیز نمی‌دهند. دنیا که نمی‌دهند. آخرت هم خیالتان راحت باشد؛ اینجا آخرت نداریم تا به کسی بدهیم؛ نه دنیا داریم نه آخرت. دستان خالی است. فقط محبت است. شما را دوست داریم. با محبت است که با هم می‌نشینیم؛ ساعتی را در کنار هم می‌گذرانیم و از نشستن در کنار هم و هم‌صحبتی با هم لذت می‌بریم و با محبت زندگی می‌کنیم. این هم از برکت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. این نعمتی است که آنها به رایگان عطا کرده‌اند و ما سر سوزنی استحقاق آن را نداشتیم. کجا استحقاق داشتیم؟!

ما نبودیم و تقاضا مان نبود لطف تو ناگفته‌ی ما می‌شنود

کجا استحقاق داشتیم که چنین گوهر بزرگی به ما دادند! **یا مُتَبَدِّئاً بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا!**^۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۶. صدوق، توحید، ص ۲۲۲ و طوسی، مصباح، ج ۱، ص ۷۰ و سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۲.